

است چنانچه رئیس مالیه از طرف وزارت مالیه رئیس است و باید امور مالیه آن نقطه را اداره کند حکومت هم از طرف وزارت داخله رئیس است و باید کارهایی که مربوط به وزارت داخله است اداره کند پس این قانون شامل حال او هم میشود ولی اینکه میفرمایند چرا اینهایی که در تبصره اسامی آنها ذکر شده این قانون شامل حال آنها نیست ؟

و باید این قانون شامل حال آنها هم بشود مثلاً قاضی یا معلم پس از دو یا سه سال خدمت ترقی نماید یا فلان مستخدم چند سال خدمت کند تا سفير شود یا رئیس دیوان تمیز خیر اینطور نیست و ترتیب استخدام قضا ترانیه میشود اینجا نوشت مثل اینکه مستخدمین نظام هم يك قانون علیحدہ دارند ولی اگر بخواهیم میشود يك ماده در قانون مخصوص آنها نوشته شود که مطابق قانون استخدام کشوری حقوق تقاعدی خواهند گرفت.

همچنین قانون استخدام معلمین را در اینجا نمیتوان داخل کرد برای اینکه مراتبی که اینجا ذکر شده است برای مستخدمین ادارات کشوری است و نمیشود گفت معلم دو سال که خدمت کرد رئیس اداره یا رئیس شعبه بشود ولی ممکن است از حیث حقوق با مستخدمین کشوری مساوی باشند ولی سایر شرایطش را نمیشود در اینجا نوشت تأمل بفرمائید و این مراتب را با هم دیگر ملحوظ نکنید.

رئیس - چون عده کافی نیست چند دقیقه تعطیل می شود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و دیگر تشکیل نگردید)

مؤتمن الملك

جلسه صد و شانزدهم
صورت مشروح مجلس يوم یکشنبه
بیست و پنجم سرطان ۱۳۰۱ مطابق بیستم
ذی قعدة الحرام ۱۳۴۰

مجلس سه ساعت قبل از ظهر برپاست
آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

صورت مجلس يوم پنجشنبه بیست و
نهم سرطان را آقای امیر ناصر قرائت
نمودند

رئیس گویا نسبت بصورت جلسه مخالفی
نباشد

(اظهار مخالفی نشد)

رئیس - چون مخالفی نیست صورت جلسه
تصویب شد دستور قانون استخدام است
در جلسه گذشته راجع بماده یازدهم
مذاکرات شد ولی باتمام نرسید کسی -
اجازه می خواهد ؟

آقا سید یعقوب - بنده اجازه نمی
خواهم

رئیس - موافقید یا مخالف ؟

آقا سید یعقوب - مخالفم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

چطور ؟

حاج شیخ اسدالله - بنده موافقم بعد
از يك مخالف
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)

آقا سید یعقوب - اولاً مطابق بیاناتی
که آن روز آقای سلیمان میرزا فرمودند
چنین معلوم شد که اعضای عدلیه و معارف
از این قانون خارج هستند بواسطه اینکه فرمودند
آنها يك درجاتی دارند و مطابق آن درجات
ترقی یا تنزل خواهند کرد خلاصه چنین
فرمودند که شرایط آنها منوط بقانون -
دیگری است حال در صورتیکه اعضاء عدلیه
خارج از این قانون باشند دیگر استثناء
کردن رئیس و مدعی العموم دیوان تمیز معنائی
ندارد زیرا وقتی متشاه شامل حال آنها نباشد
آنوقت استثناء غلط است

ثانیاً مملکت دو درجه مستخدم دارد
یکی مامورین کشوری است و یکی لشکری
و این قانون استخدام که ما نوشته ایم جهت
مامورین کشوری است چه عدلیه چه داخله
چه خارجه و مامورین لشکری در حدود
این قانون خارج هستند و بنده می خواهم
بحضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا که
مدافع حقیقی کمیسیون هستند و همچنین
آقای مخبر عرض کنم که يك قانونی باید
نوشت که جامع بوده و شامل تمام باشد ولی
این قانون شامل تمام افراد نیست یعنی قبول
خودشان اعضاء عدلیه و معارف از این قانون
مستثنی هستند پس مستخدمین عدلیه و معارف
را در چه قانونی داخل خواهند کرد؟ بنابر
این باید يك قانونی نوشت که شامل تمام
بود و اگر می فرمایند خبر چون عدلیه
جنبه روحانیت و قضاوت دارد و معارف هم
جنبه علم دارد باید مستثنی باشد پس ذکر
کردن و استثناء کردن مدعی العموم در
تبصره این قانون غلط است و رئیس دیوان
تمیز بیشتر غلط است پس بعقیده بنده با این
استثناء غلط است یا این قانون جامع
نیست

آقا شیخ ابن هیم زنجانی - مخبر -
کمیسیون - بنده گمان می کردم این ماده
اوضح مواد است و جای هیچ شبهه نیست
ولی حالا معلوم می شود ما که باید يك
توضیحات زیادی داد حالا عرض می کنم
مستخدمین چهار قسمند و این
چهار قسم را نمی شود باهم مخلوط
کرد ترتیب استخدام و ترقی و تنزل هر يك
از آنها با یکدیگر است بیکقسمت معلمین
هستند که آنها را نمی شود با مامورین -
کشوری در یکدرجه قرار داد و ترتیب
آنها فرق دارد و نمی شود قانونی وضع
کرد که شامل تمام بشود مثلاً اگر يك
معلم دو سال در اطاق درسی داده نمی شود
ترقی بکند و برود با طاق دوم بدهد این غلط
است و معقول نیست

قسمت دیگر قضات هستند که در این
قانون خارجه و ترتیب استخدام و سایر
ترتیبات دیگر آنها با سایر مامورین کشوری
فرق دارد ولی اینکه آقا فرمودند باید -
مدعی العموم و رئیس دیوان تمیز از این قانون

خارج بشود صحیح است بایهان حق می
دهم و باید از تبصره خارج بشود قسمت سوم
مامورین لشکری و نظامی ها هستند که ترتیب
آنها هم بکلی با طرز استخدام مامورین
کشوری دارد بطرز دیگری دارد که اول
باید تأمین باشد بعد نایب و سرهنگ و سرتیپ
و چه و چه و ما این قانون را برای مستخدمین
کشوری مینویسیم و علت این ترتیب این است
که مجلس قوانین را وضع می کند و يك
دولتی را برای اجرا کردن آن قوانین
انتخاب می کند و اگر ممکن بود تمام این
قوانین را يك نفر ایجاد بکند و بکسی دو
نفر اجرا بکند دیگر مجلس لازم نبود و
این همه وزارتخانه ها و شعب مختلفه برای
چه بود ؟

شعب کارها مختلف است برای هر
شعبه يك وزیری انتخاب میکنند و در هر
مملکت موجب احتیاج عده وزراء را کم
و زیاد می کنند و این شعبات هم از یکدیگر
مجزا است مثلاً کار وزارت فوائد
عامه یا وزارت خارجه خیلی منافات دارد
داخله با عدلیه همین عوار لهذا وزرائی
انتخاب می شوند و شروع با اجرای قانون
می نمایند شخص واحد هم که نمی تواند
يك قانون را هم در مرکز و هم در ولایات
يك مملکت اجرا نماید لابد ادارات متعدده
محتاج می شود و این ادارات هم در مرکز
و ولایات منشی خواهد معاون می خواهد
رئیس اداره می خواهد و تعداد آنها هم بر حسب
احتیاج وزارتخانه است که آیا فلان اداره
يك منشی می خواهد یا چند نفر ثبات می
خواهد این است که در ماده دوازدهم نوشته
ایم کلیه وزارتخانه ها بحسب احتیاجات
باید تشکیلات خودشان را بدهند گاهی
احتیاج اقتضا می کند که در مرکز يك
اداره کل باشد و در ولایات شعب داشته
باشد مثل اداره مالیات مستقیم و اداره
حکومتی و غیره ممکن است اداره کل در
مرکز کارش زیاده باشد و نتواند بکارش
برسد يك دایره هم تشکیل می دهد اگر
کافی نبود شعبه هم تشکیل می دهد و هر
يك از اینها مدیر می خواهند ثبات می
خواهند منشی می خواهند پس علیهذا
مستخدمین از این در جاتی که معین شده
خارج نیستند ولی لازم نیست در هر وزارت
خانه تمام اینها باشد خیر هر وزارتخانه
يك طور است يك وزارتخانه می شود يك
اداره داشته باشد و يك معاون يك وزارت
خانه ممکن است چندین اداره داشته باشد
حالا خواهند گفت پس مدیر کل چه چیز
است ممکن است يك وزارتخانه چندین
اداره داشته باشد آنوقت بگفتن لازم است
بتمام آنها ریاست بکند و واسطه میان وزیر
و روسای ادارات باشد و وزیر کمک
بدهد این است که يك مدیر کلی هم ذکر
شده است اگر حاجت دارد معین کند

حاجت ندارد معین نمی کند دعوا ندارد
همین طور معاون مختصر هر چه بخواهد
بمستخدمین خودش می افزاید مطابق درجاتی
که همین قانون معین کرده اضافه میکند
حالا اگر يك مستخدمی خواست که اسم
او را در این درجات ذکر کنند ار قبیل
مهندس آن را هم در ماده دیگر ذکر
کرده ایم موقتاً استخدام می کنند یعنی
در حقیقت اجیر است و داخل در جزو مستخدمین
رسمی هیئت و مستخدمین جزء هم خدمت
می کنند مثل فراشو و پیشخدمت و سرایدار
ولی آنها هم جزو مستخدمین رسمی نیستند
مثلاً نمی شود گفت پیشخدمت دو سال کار
بکند ثبات شود بعد منشی اینطور نیست
اگر چه آنها هم مابین خودشان درجاتی
دارند که يك ترقی داشته باشد مثلاً فراشو
قراشاشی بشود ولی بالاتر نمی شود و برای
این قبیل مستخدمین هم يك ماده جدا گانه
نوشته شود حالا اگر آقایان نه درجه را
کافی نمی دانند بگویند درجه یا یازده
درجه و يك اسمی هم برایش پیدا بکنند
و بادلایل ثابت کنند

که لازم است والا این ترتیب صحیحی
است و غیر از این نمی شود و معلمین و
قصه هم مشمول این قانون نیستند ولی من
می دانم آقایان چرا این حرف را می
زنند شاید خیال می کنند که ممکن است
حقوق تقاعدی در باره قضا و معلمین
منظور نشود بنده می گویم خیر در باره
تمام منظور می شود و ممکن است يك ماده
پیشنهاد بفرمایند که درباره کلیه مستخدمین
از معلم - قاضی و غیره و حقوق تقاعدی
منظور می شود ولی این قانون را نمیشود
برای این مسئله بهم زد

رئیس آقای اقبال السلطان مخالف
هستید ؟

اقبال السلطان - بلی

رئیس بفرمایند

اقبال السلطان این قانون با يك
استثناء عدم احتیاج باجرا و مستخدمین
نوشته شده و يك عده از اشخاصی را که
امروزه داخل کار

هستند و می توانند خدمت کنند خارج میکنم
حالا اگر در آن موضوع بخواهیم بحث
کنیم شاید خارج از موضوع باشد در
این ماده يك تقسیم بنده شده یعنی نه درجه
معین نموده اند و الا این چهار مرتبه اولی را
وقتی بمعنی حقیقی خودش ملاحظه کنیم
یکی از اینها زیادی است بجهت آنکه
مطابق ترتیبات اداری منشی اول اشخاصی
هستند که نوشته جات هدیده را مینویسند
کنند منشی دوم آنها می هستند که نوشته جات
اداری را مینویسند می کنند و منشی سوم
آنها می هستند که آنرا يك نویس می کنند
و گویا مقصود از ثباتی که اینجا نوشته شده
آنها می هستند که آنرا می نویسند در صورتی
که منشی سوم می تواند این کار را بکند و

دیگر محتاج ثبات نیستند و همین سه درجه منشی اول و دوم سوم کافی است بعد از این سه درجه مدیر شعبه و مدیر اداره بعد معاونت اداره معین شده در صورتی که گمان می‌کنم وقتی شخص مدیر دایره شد دیگر لازم نباشد مدتی هم معاون اداره باشد و دیگر اینکه در این قانون برای هر یک از این مراتب به سال خدمت معین می‌گردد باین معنی که بعد از هجده سال می‌تواند مدیر کل بشود و حال آنکه آن اشخاص که بارویا می‌روند و تحصیل می‌کنند و زحمت‌ها می‌کشند تا دیپلمه می‌شوند وقتی بملکت خودشان بیایند و بخواهند خدمت بکنند گمان می‌کنم باین ترتیب بتوانند خدمت بکنند یعنی کسی که چندین سال زحمت کشیده تا تحصیلش تمام شود آنوقت نمی‌تواند هشت سال معطل شود تا منشی اول یا مدیر شعبه بشود !!! و علاوه برقی مطابق این قانون بر روی دو چیز است یکی لیاقت یکی داشتن محل در مرتبه بامر فوق و اگر محل باشد یک نفر مستخدم ممکن است در عرض یک سال تمام این نه درجه را که این جا نوشته اند طی بکند و بالعکس ممکن است تا ده سال محل هم برای او پیدا نشود پس ترفی اجزاء منوط باین است که دارای لیاقت باشد و برای آنها هم یک مقامی خالی باشد نه اینکه بدون مقام بآنها ترفیع رتبه بدهند مثلاً ثبات دوسال ثبات کرد و یا بنده شش سال در ثباتی می‌ماند باز جای پاداشی شود آنوقت مقام منشی سومی را باومی دهند تا وقتی که جا برای او پیدا بشود باز محل خالی پیدا نمی‌شود یک وقت ملالت می‌شوند که در اداره پنجاه نفر منشی سوم دارند و حال آنکه شغلشان ثباتی است آنوقت ترتیب کار ادارشان درهم و برهم می‌شود و دیگر کشیده باین ترتیب وظیفی این مراتب نمی‌توانند داخل در خدمت بشوند بنابراین بنده برای این ماده یک پیشنهادی کرده‌ام که اگر کمیسیون قبول کنند بدینست

پیشنهاد بنده این است که بعضی ماده یازده نوشته شود تعیین مشاغل ابتدائی اعضاء جدیدالورود در خدمت و ارتقاء رتبه آنان با رعایت هفت گانه ذیل بهمه هیئت متجته است که در وزارت خانه از رؤسای ادارات و شخص وزیر یا نماینده مخصوص آن تشکیل میشود

- (۱) نویسنده کی-وم
 - (۲) نویسنده کی دوم
 - (۳) نویسنده کی اول
 - (۴) مدیری شعبه مدیریت دایره
 - (۵) ریاست اداره
 - (۶) مدیر کل
- مطابق این پیشنهاد ثبات دیگر لازم نیست و کار او را منشی سوم می‌کنند و راجع به معاونت اداره هم وقتی که مدیر اداره بود

دیگر معاون لازم نیست همان مدیری اداره شامل آن مقام نیست و لازم نیست دوسال هم معاون بشود این است پیشنهاد بنده

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

بنده را آقای آقا سید یعقوب فرمودند ولی آقای مخبر یک جوابی در مقابل ایراد ایشان فرمودند که هم بنده هم ایشان قانع شوم آقای مخبر فرمودند مستخدمین چهار درجه اند کشوری لشکری قضات معلمین و بعد یک شرح مفصلی از ترتیب ادارات فرمودند این فرمایشات جواب اشکال بنده و آقای آقا سید یعقوب نمیشود مقصود بنده و آقای آقا سید یعقوب این بود که قضاة عدلیه هم جزو مستخدمین رسمی دولت هستند و باید در اینجا یک زمینه و اشیای برای آنها معین شود تا تمام مستخدمین دولت در قانون استخدام مشارکت داشته باشند که اگر بعد تقاعد رسیدند بآنها هم حقوق تقاعدی بدهند و اگر چنانچه یکی از آنها فوت کرد همان رعایت هائی که در باره مستخدمین دیگر می‌شود درباره آنها هم بشود و لایق آن که یک امتیازات دیگری دارند که باید در قانون مخصوص عدلیه ذکر شود مع هذا در اساسی استخدام تمام باید مشارکت داشته باشند و راجع بتبصره هم که می‌نویسد (وزارت و سفارت عادی و کبری و مقام والی ایالت و ریاست دیوان تمیز و مدعی العموم آن و ریاست شورای دولتی و ریاست دیوان محاسبات فوق مراتب مذکوره در ماده یازدهم می‌باشد) این جمله (فوق مراتب مذکوره) معلوم نمی‌کند که آیا با هم برابر هستند یا درجات آنها هم متفاوت است؟ خوب است آقای مخبر یک توضیحات جدیدالورود در خدمت و ارتقاء رتبه آنان با رعایت هفت گانه ذیل بهمه هیئت متجته است که در وزارت خانه از رؤسای ادارات و شخص وزیر یا نماینده مخصوص آن تشکیل میشود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

آقای اقبال السلطان راجع باین ماده بنده این است که جواب ایشان را نمیدهم چون ایشان اشکال کردند کسی که در اروپا تحصیلانی کرده است و باینجا آمده بطور می‌تواند این درجات را طی بکند ؟ البته تصدیق می‌فرمایند که این فرمایشات مربوط باین ماده نیست و در مواد دیگری ذکر شده که وقتی وارد خدمت می‌شوند بچه کیفیت

باید داخل خدمت بودند و وقتی داخل شدند ممکن است بواسطه دادن امتحان مقام عالی وی را اشغال کنند آنها مواد دیگری دارد و بعد صحبت خواهد شد باین معنی باید در این درجاتی که برای قانون استخدام معین شود صحبت کرد و در این زمینه باید داخل شد راجع با اعتراضاتی که شد آنچه بنده در این جلسه گوش میدهم همه اشکالات آقایان این است که می‌فرمایند این ماده جامع نیست و شامل تمام مستخدمین نمیشود آقای دولت آبادی فرمودند که اسم مباشر برده نشده و آقای آقا سید یعقوب می‌فرمایند چرا اسم قاضی و مدعی العموم در تبصره برده شده و هم چنین اعتراض آقای حاج میرزا مرتضی خلاصه اعتراض معترضین این است که این درجه بندی صحیح نیست و لایق خوبست باین نکته توجه بفرمایند که در درجات و مواد قانون استخدام برای عموم نوشته میشود بدون هیچ فرقی وقتی درجات را معین کردند آنوقت هر وزارتخانه موظف است که در وزارت خانه خودش یک نظامنامه مرتب کند و مستخدمین را که در وزارت خانه هستند یا هر یک از این درجات مطابق کند مسئله تحصیلات را یا منشی سوم یا غیر ذلک این خیلی صاف و روشن است حالا آقایان اشکال می‌کنند که چرا اسم قضاة برده نشده و قطع نظر از اینکه مقام قضاة مقامی است که بقانون استخدام ربطی ندارد و یک قانون مخصوص می‌خواهد لکن آن هم اشکالی ندارد و ممکن است در نظامنامه داخلی عدلیه را با درجات قانون استخدام تطبیق کند و مثلاً بگوید رئیس استیناف یا مدیر کل هم درجه است یا رئیس ابتدائی با رئیس دایره خلاصه بعد از آنکه این مطلب معلوم شد و درجات مستخدمین تطبیق با درجات این قانون شد تمام اشکالات رفع می‌شود فقط مختصر اشکالی نسبت بر رئیس تمیز باقی می‌ماند آنهم چون رئیس تمیز یک مقام بالاتری دارد و با وزیر هم درجه است و بر همه برتری دارد و مدعی العموم تمیز هم با وزیر هم درجه است فوق این تشکیلات هستند از این دو سر مقام که تشکیلات و درجه بندی تمام مستخدمین معین میشود البته اولین درجه در وزارت خانه ثباتی است و بعد منشی سوم و منشی دوم و منشی اول و مدیر شعبه و مدیر دایره و مدیر اداره و مدیر کل آنوقت هر وزارتخانه همانطور که عرض کردم مستخدمین خود را باین قانون تطبیق می‌کند و مطابق فرمایش مباشر و تحصیلدار را هم که در دب دروازه مشغول وصول مالیات است درجه اش معین میشود و وزارتخانه مطابق این قانون مکلف است معین کند که فلان تحصیلدار فرضاً مطابق با ثباتی یا منشی گری است و اینکه معلوم میشود تمام حقوقش هم معین

می‌شود و تمام اشکالات بر طرف می‌شود و اما راجع بفرش و پیشخدمت که می‌فرمایند چرا ذکر نشده عرض می‌کنم که آنها خارج از مستخدمین رسمی هستند و رسمیت استخدام رسمی ندارند و در واقع اجیر هستند و وزارت خانه آنها را اجیر کرده و یک مزدی میدهد و آنها که بجهت وزارتخانه کار می‌کنند نمی‌توانند بگویند ما مستخدم رسمی هستیم زیرا استخدام اداری باید از روی امتحان و درجات فاضلی باشد و اگر یک نفر دارای این فضایل باشد پیشخدمتی نمی‌کند می‌روند منشی گری می‌کنند و درجات عالی تری را طی می‌نمایند باین عرایض بعقیده بنده این صاف و روشن است و هیچ موردی ندارد که در اطراف آن گفتگو شود حالا اگر آقایان می‌فرمایند درجاتش زیاد است پیشنهاد کنند یک درجه دودرجه کاسته شود و اگر می‌فرمایند کم است پیشنهاد فرمایند کم است و باید یک درجه دو درجه اضافه شود

لیکن این اعتراض که می‌فرمایند نسبت باینکه این ماده جامع نیست این اشکال وارد نیست زیرا درجات در هر وزارتخانه بموجب نظامنامه آن وزارتخانه باین درجات خواهد شد

رئیس - مذاکرات کافی است یا خیر ؟

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس - چند فقره پیشنهاد رسیده قرائت میشود

(آقای منتصر الملک پیشنهادت مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

بنده پیشنهاد می‌کنم بعضی ماده یازده نوشته شود تعیین مشاغل ابتدائی اعضاء جدیدالورود در خدمت و ارتقاء رتبه آنان با رعایت مراتب هفت گانه ذیل بهمه هیئت متجته است که در وزارتخانه از رؤسای ادارات و شخص وزیر یا نماینده مخصوص آن تشکیل می‌شود اول نویسنده کی سوم دوم نویسنده کی دوم سوم نویسنده کی اول چهارم مدیری شعبه پنجم مدیری دایره ششم ریاست اداره هفتم مدیر کل اقبال السلطان

مقام محترم ریاست دارالشورای ملی بنده پیشنهاد می‌کنم جمله و ریاست دیوان تمیز و مدعی العموم آن از تبصره حذف شود چون اصل ماده (۱۱) شامل قوه قضائیه نیست که محتاج باشد ریاست دیوان تمیز را خارج نمود

یعقوب الموسوی
بنده پیشنهاد می‌کنم این ماده (۱۱) با این مذاکرات تمام نمیشود خوب است بکمیسیون برگردد ماده جامع و قانونی نوشته شود

بنده پیشنهاد می‌کنم این ماده (۱۱) برگردد بکمیسیون و تکمیل شود بر گردد (محقق العلماء)

رئیس - پیشنهادات بکمیسیون ارجاع میشود ماده دوازدهم (شرح ذیل قرائت شد)

ماده دوازدهم - هر یک از وزراتخانه ها در حدود احتیاجات اداری و رعایت صرفه تشکیلات مشاغل خود را در نظامنامه های داخلی با مراتب مذکوره در ماده یازده تطبیق می‌نمایند ولی وجوه هر یک از مراتب مذکوره در وزارتخانه ها منوط بلزوم آن خواهد بود

رئیس - آقای کازرانی (اجازه)

در این ماده می‌نویسد هر یک از وزارتخانه ها در حدود احتیاجات اداری و رعایت صرفه تشکیلات مشاغل خود را در نظامنامه های داخلی با مراتب مذکوره در ماده یازدهم تطبیق می‌نمایند بنده نتوانستم درست درک کنم که آیا حکام ولایات را که جزء وزارت داخله هستند مقام آنها را هم با این درجات تطبیق می‌نمایند یا خیر و بر فرض اینکه مقام آنها را بدینری تعیین کند حقوق مدیری به آنها می‌دهند یا فرضاً کارگذار را که با سمت منشی اول تطبیق می‌شود همان حقوق منشی گری باو داده می‌شود یا اینکه از روی نظریات خودشان معین می‌کنند مثلاً مواجب یک نفر حاکم ماهی هفتصد تومان است و مواجب یک نفر مدیر فرضاً ماهی دویست تومان علاوه از روی چه میزانی درجات را تغییر می‌کنند آیا یک میزانی دارد یا از روی نظریات شخصی است این حق را که بآنها می‌دهیم که آنها درجات را تطبیق کنند چرا خودمان مقصدی تطبیق آن نمی‌شویم و اگر حکومت را باید بدینر کل و کارگذار را بمنزله رئیس اداره باید منظور نمود و چرا ما خودمان این کار را نکنیم بنده نمی‌فهمم این قانون شامل حکام هم هست یا خیر باید قانون علیحده برای آنها نوشته شود علاوه ماده یازدهم که عبارت از این است که هیچکس نمی‌تواند از مرتبه مادون بر تبه مافوق برسد مگر این که مدت معینی در تبه سابق خدمت کرده باشد شامل حکام و کارگذاران هم خواهد بود یا خیر و آنها هم مراحل اولیه را طی می‌کنند یعنی از ثباتی بمنشی گری سوم و دوم و بعد بمقام حکومت می‌رسند یا خیر؟ بنابراین خواهشمندم آقای مخبر توضیح بدهند تا ملالت شوم

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد (اجازه)

بنده پیشنهاد می‌کنم این ماده (۱۱) برگردد بکمیسیون و تکمیل شود بر گردد (محقق العلماء)

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)
آقای کازرانی فرمودند ملالت نمی‌شوم خوب است دقت بفرمایند شاید عرایض بنده ایشان را قانع کند آن مقصودی را که ما در قانون استخدام داریم همان است که جنابعالی فرمودید یعنی چرا باید حکام ولایات ماهی هفتصد و پنجاه تومان حقوق از مالیه این ملک می‌گیرند در صورتی که این مواجب مقابل زحمت داده میشود معلوم نیست یک نفر رئیس تلگرافخانه یا رئیس عدلیه باندازه آنها زحمت نکند بلکه بیشتر هم زحمت می‌کشد پس چه طور است که یک نفر رئیس معارف در اکثر جاها باید بی حقوق باشد ولی حاکم در اول جایی هم که حکومت داشته باشد چون اسمش حاکم است چهارصد تومان یا نصف تومان حقوق بگیرد؟

پس بعد از آنکه قانون استخدام پیش آمد و مراتب مأمورین معین شد اگر یک رئیس معارف در یک ولایتی مقامش با حاکم مساوی باشد البته باید همان حقوق را بگیرد و باید حقوق اشخاص که بی جهت زیاد است یعنی هم مردم را اذیت می‌کنند و هم ۷۵۰ تومان یا ۱۰۰۰ تومان جایزه می‌گیرند باید از جایزه آنها کسر شود و در مقابل آن بیچاره هائی که طرف توجه نیستند مثل روسای معارف و روسای سائر ادارات از خدمت آنها قدرشانی کنند و متساوی حقوق بدهند و مراتب را همانطور که آقایان در نظر دارند باید وزارتخانه ها معین کنند و بهمین جهت روزاولی که این قانون مطرح شد از آقایان وزراء و همچنین از افراد و اهالی و کلیه جراید درخواست کردیم نظریات خودشان را بنویسند که یک قانونی کاملی از مجلس بگذرد و اگر کمیسیون تصور میکرد این قانون بطوری که پیشنهاد شده نقص ندارد این تقاضا را میکرد بلکه بالعکس کمیسیون می‌داند که این قانون خیلی نقص دارد و بهمین جهت از همه مردم وزراء استمداد نموده که با نظریات همه این قانون تکمیل شود این راهم عرض کنم که این ۵۹ ماده تمام وظائف اعضاء ادارات را معین نکرد و اگر بخواهند تمام وظائف مستخدمین را معین کنند چهار پنج برابر شود این قانون مقدمتاً تکلیف این سه مرتبه را معین کرده و وزارتخانه ها باید خودشان وقتی در این قانون نکرده این نه درجه را تطبیق با درجات اداری خود بنمایند مثلاً مقام حاکم قزوین یا مقام منشی اول تطبیق شود امین مالیه و رئیس عدلیه را معین کنند که با کدام یکی از این درجات نه گانه مقامشان یکی است معلوم است وقتی مقام حاکم فارس یا رئیس عدلیه فارس یکی شد حقوقش هم تمام باید مساوی باشد دلیل ندارد وقتی وزیر رئیس عدلیه یا رئیس مالیه یا حاکم که از آثار

قدیمه است مقابل باشد آنها کمتر ببرند و او چندین مقابل علاوه حقوق ببرد و اینکه کمیسیون این قانون را با اینکه تصدیق دارد خیلی ناقص است اینطور پیشنهاد می‌کنند برای این است که این قانون مهم ترین قانونی است که کمک بحال فقرات و ضعیفای وزارتخانه ها می‌کند و تمدی و اجحاف در وزارتخانه ها کم می‌شود و یک تبدیل در حقوق اعضاء ادارات خواهد شد و اعضاء ادارات را مطمئن میکند که در خدمانی که میبایند یک ترفیع رتبه برای آنها خواهد بود و در موقع تقاعد حقوقی خواهند گرفت و اینکه می‌فرمایند اجزاء جزء را چرا در این مواد مستثنی کرده اند یا داخل نکرده اند نظر بر رعایت حال آنها بود زیرا اگر مطابق این مواد آنها حق تقاعد بدهند خیلی کم می‌شود و بآنها ظلم شد

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی گمان می‌کنم کمیسیون خواسته است در این ماده زحمت خودش را کم بکنند و تطبیق این مراتب نه گانه را با درجات اداری بعهده وزارتخانه ها و کارگذاران نموده در صورتی که این مطلب وظیفه کمیسیون است و باید تمام درجاتی را که در وزارتخانه ها معمول است باید بخواهند و طبقه بندی بکنند و اینکه بنده سابق بر این هم عرض کردم که بانه درجه موافق نیست برای این است که تنها وزارت عدلیه دوازده درجه دارد بعضی وزارتخانه های دیگر ولو اینکه درجه بندی صحیحی ندارد ولی بر حسب تقسیم می‌شود آنها را بنده درجه قسمت بندی کرد و کمیسیون باید این درجات را از وزارتخانه ها بخواهد و خودش تطبیق و معین بکند که فلان شغل در درجه اول است و فلان شغل در درجه دوم است این است که بنده عرض می‌کنم اینکار حق وزارتخانه ها نیست و باید کمیسیون این صورتها را بخواهند و در آنها دقت کرده پس از اینکه درجه بندی صحیحی تهیه کرد بمجلس بیاورد

معاونت وزارت داخله - در خصوص قانون استخدام مخصوصاً کمیسیون در وزارت داخله تشکیل شد و از وزارتخانه ها هم نماینده خواسته شد که حتی المقدور نظریات اداره عمومی در آن باشد درجات و طبقات مأمورین وزارتخانه ها نمی‌شود از روی ترتیبی که فعلاً معمول است معین کرد باید یک اصولی را اتخاذ کرد که وزارتخانه ها درجات اداری خودشان را با آن اصول تطبیق نمایند ولی اگر بخواهیم شغل را در نظر بگیریم این مسئله امکان ندارد زیرا اگر شغل در نظر گرفته شود باید بصورت دویست سیصد شکل نوشته شود برای اینکه هر وزارتخانه مشاغل دارد که با شغل

وزارتخانه های دیگر مختلف است حتی بعضی مشاغل است که با اینکه شغل معین است در وزارتخانه ها کیفیت مختلفی دارد این نظر را داشت ولی اصولی که در قانون استخدام معین شده یک عدد و میزانی است که برای سیر عموم اجزای طایفه یائین تا مقام بالا معین شده و این طبقات را بیش از نه طبقه نمی‌شود گرفت زیرا اجزاء باید در هر طبقه دو سال بمانند و مدت کار هر یک نفر مستخدم نمیشود از بیست سال بیشتر باشد بنابراین اگر درجات را بیشتر از نه الی ده درجه معین شده بود ولی بهمین مناسبت که نزدیک با حال متوسط باشد یک رتبه از آن کم شد این درجانی که اینجا ذکر شده مثلاً منشی گری نباید تعریف شغلش را کرد باید منشی گری را رتبه اداری دانست و هر این رتبه ها تطبیق و معین نماید و لازم هم نیست در مجلس این مطلب مطرح شود فقط مجلس شورای ملی اصول این مراتب را تصویب می‌نماید و بعد از آن رجوع می‌شود بخود وزارتخانه ها و وزارتخانه ها مشاغل خودشان را با این اصول تطبیق میکنند و هر طور مقتضی است کار خودشان را ترتیب میدهند مثلاً در قانون استخدام می‌نویسد هر وقت ورود بخدمت مسابقه است حالا اگر بخواهیم جزئیات مسابقه را در این قانون ذکر کنیم ممکن نیست برای اینکه ترتیب مسابقه در هر وزارتخانه باید یکطور ذکر شود چون شرایط خدمت در وزارت داخله طور دیگری است و در وزارت خارجه طور دیگر بنابراین نمی‌شود داخل در جزئیات شد فقط قانون استخدام باید اصول اولیه را معین کند و هر وزارتخانه آن اصول را بموجب نظامنامه مخصوص با کیفیت و حواجج اداری خود تطبیق کند بنابراین هر چه تفسیرات در این قانون داده شود زحمت و اختلاف نظر زیادتر می‌شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده عرض می‌کنم قانون باید مقید معنی باشد در اینجا می‌نویسد (ولی وجود مراتب مذکوره در وزارتخانه ها منوط بلزوم آن خواهد بود) بعقیده بنده این عبارت ژانده است و همان عبارت اول ماده که می‌نویسد (هر یک از وزارتخانه ها در حدود احتیاجات اداری و رعایت صرفه تشکیلات مشاغل خود را در نظامنامه های داخلی با مراتب مذکوره در ماده ۱۱ تطبیق می‌نمایند) از برای مهمترین مطلب کافی است بنابراین بنده پیشنهاد می‌کنم عبارت ثانی حذف شود

مخبر - اگر همان عبارت اول باقی باشد و این عبارت ثانی حذف شود ممکن است یک از وزارتخانه ها دایره لزوم نداشته باشد یا اینکه یک وزارتخانه ها شعبه لازم نداشته

باشد و فقط از این درجات هیچ درجه را لازم نداشته باشند این است که در اینجا باید می شود که وجود هر یک از این مراتب در وزارتخانه ها منوط بوزن آن است آنهم با دلایل والا می شود گفت همه وزارتخانه ها این مراتب را داشته باشند

رئیس - مذاکرات کافی است ماده سیزدهم قرائت می شود

(شرح آتی قرائت شد)

ماده سیزدهم - نصب روسای ادارات و مدیران کل و هم رتبه های آنها با رعایت شرایط مقرر بصوب و وزیر و بوجوب فرمان همایونی است و نصب متصدیان سایر مقامات با رعایت شرایط مقرر بر حسب پیشنهاد رئیس قانون و حکم وزارت می خواهد بود

رئیس - آقای کازرونی

(اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - بنده فرمان همایونی را در اینجا زائد می دانم

رئیس - بنابر دستور وقت اظهار می کنند دلیلش را هم بفرمایند

آقا سید یعقوب - اگر جواب مقام ریاست برایشان کافی نیست رجوع بقانون اساسی بکنند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - اینکه می نویسند (نصب روسای ادارات و مدیران کل و هم رتبه های آنها با رعایت شرایط مقرر بصوب و وزیر است والا در اینجا معلوم نیست شرایط مقرر چه چیز است ثانیاً بنده نظرم این است که تعیین مدیران و روسای شعب و تنها بصوب و وزیر و رئیس مافوق صلاح نیست باید تعیین مدیران و روسای کدوایر از روی یک مشاوره اداری و جلسه اداری با توافق نظر یکمده باشد و اختیار تعیین مدیر بدست وزیر نباشد و همچنین اختیار انتخاب روسای دوائر بدست دوائر نباشد و اگر اینطور باشد بنده معاش برای آن نمی بینم و آنوقت روسای ادارات همیشه یک اشخاص را معین می کنند که موافق میل آنها عمل کنند و باین فلسفه بنده مخالفم و باید همانطور که انفصال اعضاء از روی یک محاکمه هست نصب اعضاء هم باید از روی یک مشاوره باشد و اگر بخواهم این ماده را اینطور بکنم که وزیر هر کس را بپیل وارد کرده خودش نصب کند روسا و مدیران هم اجزاء جزء را بپیل خودشان معین کنند آنوقت تمام تشکیلات در روی یک نظریات خصوصی دور می زند و بنده باین اصل مخالفم و از آقایان اعضاء کسب می کنم ذکر در این باب بکنند و نظری اظهار بفرمایند که نظریات شخصی از بین برود

مغیر - از فرمایش آقای حاج شیخ اسدالله تعجب می کنم این ماده را بخواهند

واضح است مقصود از شرایط مقرر رعایت احتیاج وزارت خانه است و مدت خدمت است مسابقه و استخدام مستخدم است و همه این شرایطی است که ذکر شده باید رعایت شود این است که در اینجا نوشته شده (بموجب شرایط مقرر) بپیل اشخاص نیست که هر کس را بخواهند معین کنند

حاج شیخ اسدالله - اگر در فردر مسابقه مساوی باشند کدام یکی را معین خواهد کرد

مغیر - ماده ذیل را بخوانید رعایت احتیاج وزارتخانه و طرز خدمت و استخدام مستخدم همه اینها باید رعایت شود

رئیس - دیگر مخالفی نیست؟

(گفته شد خیر)

رئیس - ماده چهاردهم (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده چهاردهم - تعیین معاون وزیر و رئیس کابینه وزارت می بایست با اختیار وزیر است طی مراتب در مورد آنها ضروری نیست هرگاه از میان مستخدمین دولتی انتخاب شوند مدت تصدی آنها جزو ایام خدمت محسوب می شوند والا این تصدی سابقه خدمت اداری برای آنها نخواهد بود

رئیس - آقای دستغیب

حاج سید محمد باقر دستغیب - قبل از اینکه شروع به عرض خود بکنم از آقای

مغیر سؤال می کنم که علت این که معاون وزیر و رئیس کابینه را از این قانون مستثنی کرده و اختیار معین آنها بوزیر واگذار شده اند چیست؟ جواب سؤال را بفرمایند تا بعد عرض خود را عرض کنم

رئیس - دیگر بفرمایند نمی توانید صحبت کنید

حاج سید محمد باقر دستغیب - در اجازه دوم عرض خواهم کرد

مغیر - معان باید هم مسلک و محل اعتماد وزیر باشد و نمی توان یک وزیر را مجبور کرد که یک معاون را که با او هم مسلک نیست برای معاونت اختیار کند و هم چنین رئیس کابینه مرجع اسرار اوست تمام کاغذها و تلگرافها بدست رئیس کابینه می رسد برای اینکه اغلب نوشته ها را بدون رسید باو می دهند باید محل اعتماد او باشد و در همه جا این استثناء بود اینجا هم باید باشد

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده عرض می کنم انتخاب رئیس کابینه و معاون البته برای انجام کارهای اداری است و برای کارهای شخصی وزیر نیست که این دلیلی را که آقای مغیر فرمودند شامل حال آن باشد

اگر برای خدمت دولت است البته آن معاون یا رئیس کابینه هم مطابق قانونی که وضع شد باید مدارج قانونی را طی کرده و بآن مقام برسد و ربطی بکارهای شخصی وزیر ندارد که انتخاب آنها را به وزیر واگذار کنیم

مثل سایر اجزاء که مطابق مقررات قانون معین بشوند و بنده هیچ امتیاز مخصوصی بین این دو نفر و سایر مستخدمین نمی بینم که وزیر این دو نفر را مطابق میل خودش و سایرین را مطابق قانون معین کند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بلی

رئیس - آقای محقق العلماء؟

محقق العلماء - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

حاج شیخ اسدالله - موافقم

رئیس - بفرمایند

حاج شیخ اسدالله - باینکه امامه ذیل مخالف بودم که وزیر حق ندارد در روسای ادارات را معین کند و باید بمشاوره اداری معین شوند باین ماده موافقم و عقیده دارم که معاون و رئیس کابینه باید با نظریات وزیر معین شوند چون اینها دو بال وزیر هستند و باید اشخاصی باشند که کاملاً محل اعتماد وزیر باشند

حالا مثل می بینم کارهایی که بوزارت - خانه ها می رسد بهر یکی از دوائر وزارتخانه ها که رسید از او رسید می گیرند تا می رسد به کابینه هم رسید می گیرند ولی وقتی بدست رئیس کابینه رسید او کاغذها را معاون یا وزیر می دهد رسید نمی گیرد و همین طور برعکس وزیر هم که کاغذ را بر رئیس کابینه یا معاون می دهد رسید نمی گیرد این است که آنها باید محل اطمینان وزیر باشند که استنادی بکیش آنها است فردا مدهی نشوند که این سند را نماید

اولاً اینها یک چیزهایی است که در موقع عمل اتفاق می افتد پس بعقیده بنده باید معاون و رئیس کابینه از اشخاصی انتخاب شوند که محل اطمینان شخص خود وزیر باشند اما کارهای اداری مربوط بوزیر نیست و شخص رئیس اداره شخصاً مسئول است باید یک شخص مسئول آزاد باشد در تحت نفوذ وزیر نباشد و وزیر او را معین نکند این است که بنده در ماده قبل کراجه تعیین روسای ادارات بود مخالف بودم و نسبت بر رئیس کابینه و معاون موافقم که باید حتماً با اختیار خود وزیر باشد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - فرمایشاتی که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند بنده را هیچ قانع نکرد و برای اینکه مکرر گفته ام که ما می خواهیم

کاری بکنیم که وزارت خانه را ملک طلق وزیر قرار ندهیم یعنی نگوییم این وزارت خانه ده شش دانگ وزیر است وزارتخانه ها را نباید ملک طلق شخص وزیر باشد چه معنی معاون محل اعتماد وزیر باشد چه معنی دارد؟ معاون باید محل اعتماد کار باشد معاون هم باید همان درجانی را که در قانون استخدام ذکر شده سیر نمود و بمقام معاون برسد معلوم مستخدم ملت است نه مستخدم وزیر مستخدم اداره است نه مستخدم شخصی اگر شخصی آن مقامات اداری را طی کرده و بمقام معاونت رسید معاون است خواه محل اطمینان وزیر باشد خواه نباشد مناطق کار است نه شخصی در تمام وزارتخانه ها اعمال وزیر بدست معاون و رئیس کابینه است ما می خواهیم کارها ترتیبات اداری پیدا نمایند نه ترتیبات شخصی این است که بنده با کمال که باو داده شده کارها داریم میل دارم ابتداً اسمی از این ماده برده نشود اگر چه بنده معتقدم که نباید دست وزیر بکلی بسته شود اما با این مسئله مخالفم که هر موقعی یک وزیری تشریف آورند یک معاون و رئیس کابینه جدید همراه خود بیاورند این دو نفر هم مستخدم اداره هستند بچه نظر بایستی استخدام معاون و رئیس کابینه بنظر وزیر باشد؟ استخدام باید منوط به نظر قانون باشد

وزیر مالیه - خاطر آقایان را مستحضر می دارم که در موقع انتخاب وزیر یا معاون و یا رئیس کابینه مطلب مربوط بامداداری نیست بلکه نظریات سیاسی در آن ذی دخل است همان طور که انتخاب وزراء مربوط باداری نیست و فقط از نقطه نظر سیاسی بر حسب رأی و اعتقاد اکثریت مجلس شورای ملی انتخاب می شود معاون هم که باید مدافع نظریات سیاسی شخص وزیر باشد از همین نقطه نظر باید انتخاب شود اهم از اینکه اداری داشته باشند یا نداشته باشند همین طور رئیس کابینه که باید اسرار سیاسی وزارتخانه در نزد او باشد باید محل اعتماد وزیر باشد زیرا در وزارتخانه یک کارها و مسائلی است که سیاست اقتضا می نماید تا حدی مستور بماند تا زمانی که سیاست اقتضا نماید آن مسئله بچریان نیفتد البته باید او را مکث نگاه داشت و یک نفر وزیر هم نمی تواند تمام نوشته ها را در کیف خود نگاه دارد بایستی در نزد رئیس کابینه بماند ممکن است دو

کابینه سه کابینه تغییر کند و هنوز موقع مقتضی نباشد آن مسائل بچریان نیفتد بنا بر این این مسئله آن است که معاونین و روسای کابینه طرف اعتماد کامل شخص

وزراء باشند حال شخص وزیر ممکن است بهمان معاون سابق اعتقاد داشته باشد و یا اینکه شخص دیگری اظهار اعتقاد کند این است که بایستی دست وزیر بسته باشد که مجبور باشد حتماً از روی اداری یک اشخاصی را باین معاونت بکار وادی راجع سایر مقامات اداری البته وزراء مجبورند مراعات طی مراتب اداری و قانون استخدام بنمایند اما درباره معاون و رئیس کابینه به همان نظریات سیاسی درباره وزیر از طرف مجلس شورای ملی اعمال می شود همان نظریات هم از طرف شخص وزیر نسبت به آنها بایستی اعمال شود

رئیس - مذاکرات کافی نیست؟

(گفته شد کافی است)

رئیس - ماده پانزدهم (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده پانزدهم - بدون طی مرتبه مادون بمرتبه مافوق نمی توان ارتقاء یافت و مستخدمین که از عهده انجام خدمات محوله کاملاً برآیند و نظامنامه اداری را رعایت کرده باشند مستحق ترفیع رتبه خواهند بود مشروط بر اینکه لااقل دوسال بطور رسمی در رتبه سابق خدمت کرده باشند در صورت رعایت احتیاج وزارتخانه و طرز خدمت و استعداد مستخدم و مدت خدمت شرط حتمی است

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - بنده آنچه از مذاکرات آقایان قسیم این بود که معاون و رئیس کابینه بمنزله مدیر کل است و بعد هم تأویل و تعبیر کردیم که این مقامها چون مقام همی است یعنی اینها بنظر این شخص وزیر است در صورتی دو از یک طرف در تبصره ماده پانزدهم این که مقام استثناء نکرده ایم از طرف دیگر اینجا می گویم بدون طی رتبه مادون نمی توان بمرتبه مافوق رسید بنا بر این بنده نمی توانم حکم معاون و رئیس کابینه چیست و چگونه از قاعده کلی استثناء شده اند

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بیشتر اختلاف امور ادارات بواسطه زیادی منتظرین خدمت است که هر روزی وارد شد میل دارد یک نفر را از کرسی بلند نمود دیگری مقامش را اشغال نماید

بنده عرض می کنم ما نباید کاری بکنیم این اشخاص زیاد شوند و هر روز بدولت برای کار فشار بیاورند و بعد از اتمام شدن دسته بندی نماید و باعث تزلزل هیئت دولت شوند بنده عقیده دارم که در هر مرتبه شخص تا دوسال خدمت نکرده باشد نمی توان بمقام بالاتری برسد و آنرا هم که آقای اقبال السلطان می فرمایند شخصی که مدت ها در اروپا تحصیل کرده چرا این

مراتب را بپلی نماید هر ض می کنیم چه ضرر دارد همان شخص هم بیچند سال خدمت نماید و بمقامات عالی برسد؟ بنا بر این بنده باین ماده موافقم

رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - اگر فرض کنیم یک شخص بموجب این قانون از سن بیچند سالگی داخل خدمت دولت بشود و در سن شصت سالگی خارج شود مدت خدمت او چهل و دوسال است و این مراتب در این قانون تعیین شده باید بطوری معین شود که در روز اول استخدام تارو ز تقاعد تکلیف مستخدمین معلوم باشد و در این ماده بطور اجمال نوشته اند مدت خدمت لااقل در هر مرتبه باید دوسال باشد و در این صورت وقتی حساب کنیم اگر در هر درجه دوسال باشد در بیچند سال ارتقاء رتبه پیدا می کند و بدینری کل می رسد و بعد از بیچند سال مستخدم چه باید بکند؟

آیا بقیه استخدام را در همان رتبه باید بماند؟

خیر این نوع نمی شود باید فکری کرد که ترتیب ارتقاء طوری باشد که مستخدم وقتی بمدارج عالی رسید بعد از طی آن درجه متقاعد شود

مثلاً باید طوری باشد که این درجات را چند قسمت کرد در قسمت اول مدت خدمت را در رتبه اول سه سال و در رتبه دوم چهار سال و در قسمت دوم مثلاً مدت خدمت را در هر مرتبه پنج سال قرارداد تا از روز اول خدمت تا موقع تقاعد درجات خدمت مستخدم منتظر شده باشد نه اینکه مستخدم در یک مدتی ترقی کند و در قسمت دیگر از مدت استخدامی در یک درجه باقی بماند و سبب کلی این ترتیب است که ممکن است بعد از بیچند سال در یک وزارتخانه پانزده نفر مدیر کل پیدا شود یا جزو منتظرین خدمت باشند و یا اینکه کار دارد و لیکن در همان درجات مادون قرار گرفته است

باین ملاحظه بنده این ماده را باین ترتیبی که نوشته شده تصحیح می دانم و باهدنوی تغییر داد که مناسب بامدت خدمت یعنی چهل و دوسال بشود

مغیر - در هر موقع که مستخدم در یک مقامی دوسال خدمت کرده و لیاقتش هم محقق گشت و مرتبه بالاتر هم خالی بود بایستی آن مقام را بپیل بیاورند اما اگر مرتبه بالاتر خالی نبود در مواد بعد تکلیف معین است و باز هم اگر در سال خدمت کرد مقام خالی پیدا نشد آنهم حکمی علیحده دارد اما آقای دولت آبادی می فرمایند شخصی در بیچند سال خدمت مقرر به لیاقت اداره کردن نرسیده؟

چطور می شود کسی که دروس عالی را تکمیل کرد و تحصیل کرده است بعد از

بیچند سال خدمت هنوز هم بدرجه ریاست نرسیده و البته انصاف نیست و همین ماده است

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

حاج شیخ محمد باقر دستغیب - یک قسمت از عرایض بنده راجع بفرمایشی بود که آقای دولت آبادی فرمودند که مدت بیچند سال برای ارتقاء رتبه کافی نیست اما عرض دیگر این بود که آیا کسب و کار در این که مدت خدمت را در هر مرتبه دون قرار داده است چیست؟

اگر برای این است که عده منتظرین خدمت را کسر کند این مسئله چندان اهمیت ندارد علی ای تقدیر کمیت منتظرین خدمت در اداره زیاد است و اگر نظرشان این است که در هر مرتبه دوسال که ماند سابقه پیدا نماید بنده عرض می کنم ممکن است یک شخصی باشد خیلی با ذوق و با فهم در هر شش ماه یا یکسال از یک کار سابقه پیدا نماید در این صورت جهت ندارد حتماً دوسال قرار دهیم زیرا اگر زیاد در کاری بماند ممکن است خستگی دماغ پیدا کند برای یک شخصی که می خواهد زود مراتب را طی کند و هر کاری سابقه پیدا نماید بعقیده بنده دوسال زیاد است و شش ماه الی یکسال کافی است

رئیس - آقا میرزا سید حسن کاشانی

آقا میرزا سید حسن کاشانی - بنده باین ماده موافقم زیرا اگر ماده ۱۶ مرجوع شود دفع تمام این اشکالات خواهد شد

رئیس - مذاکرات کافی نیست؟

(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده است (بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می کنم بجای مشروط بر اینکه لااقل الخ نوشته شده مشروط بر این که دوسال الی چهار سال رسمی (الخ)

پیشنهاد می کنم در آخر ماده ۱ جمله ذیل نوشته شده (با استثناء شاگردان مدارس که مدت تحصیل آنها جزو سابقه خدمتشان محسوب می شود)

(وکیل الملک)

رئیس - ماده شانزدهم

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده شانزدهم - هرگاه مستخدم بموجب ماده ۱۵ مستحق ترفیع شده و بواسطه نبودن محل به ترفیع نائل نگردد و بر طبق نظامنامه رتبه در حدود تفاوت پز - دانیل و اکثر مقام خود اضافه دریافت خواهد نمود

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده در خصوص اضافه

حقوق مخالفم زیرا این مسئله سبب می شود که هر مستخدمی بیک وراثتی پس از مدت دوسال برای خودش یک اضافه حقوقی معین کند و این مسئله تحمیل بر خزانه دولت می شود

مغیر - آیا انصاف است کسی که دو سال خدمت کرده و اظهار لیاقت نموده و مستحق ترفیع رتبه هم باشد با اضافه داده نشود؟

اگر محل خالی نیست این بیچاره که تقصیر نکرده است با اینحال اضافه حقوق هم نگیرد؟ حرف غریبی است!!!

رئیس - آقای موتمن السلطنه (اجازه)

موتمن السلطنه - بنده عقیده ام این است آقای مغیر توضیح بدهند که مقصودشان از این ماده چیست و گویا یک کلمه افتاد است

وزیر مالیه - بنده این توضیح را عرض می کنم در ماده قبل شرایطی برای ترفیع مر تبه معین شده گفته شد اشخاصی که شرایط مندرجه از نظامنامه داخلی را کاملاً رعایت کرده باشند و ابراز لیاقت کرده باشند و چه کنند و چه کنند باید ترفیع رتبه حاصل نمایند و شرایطی هم قرارداد شده باشد که اول باید معین خالی باشد ثانیاً مدت خدمت داشته باشد

ثالثاً استعداد داشته باشد الی آخر

حال فرض بفرمایند یک شخص تمام مراتب را دارا بود ولی محل خالی در اداره نبود البته تصدیق می فرمایند چیزی که بیشتر مستخدم را بصحت عمل و رعایت اصول اداری و ادار می کند یکی ترفیع رتبه است و دیگری اضافه حقوق حالا می فرمایند چون محل خالی نیست ترفیع رتبه ممکن نیست پس لااقل یک اضافه حقوقی بایستی برای او منظور داشت و این اضافه حقوق هم یک معیاری باید داشته باشد میزان آن عبارت خواهد بود از مبلغ مابین حداقل و حداکثر حقوق مقامی که فعلاً داراست تا مبلغ حقوق درجه اول مقامی که بخواه بایستی دارا باشد و اگر باز هم محل خالی نشد حکم علیحده دارد که مواد بعد ملاحظه خواهند فرمود

رئیس - آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده از آقای مغیر بایشان زاده سلیمان میرزا سؤال می کنم که اضافه حقوق مابین حداقل و اکثر چقدر است؟

خوب است آن را کاملاً معین بفرمایند تا از حالات ابهام خارج شود مثلاً می گویند نصف است ثلث است ربع است پانچیز دیگر

مغیر - در هر مقام دو حقوق معین می شود یک حداقل و یک حداکثر مثلاً حقوق ابتدائی یک مقام بیست و پنج تومان و حقوق

اکثر آن سی تومان است حال آن اضافه حقوق مبلغ مابین این دودخ است که پنج یاسه یا دوتومان می شود آنها يك چیزهایی است که در هر موقع تفسیر بنماید و بسته به میزان حقوق است .

رئیس - مذاکرات کافی است بعضی گفتند کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت می - شود .

(بمضمون ذیل قرائت شد) عقیده بنده ذیل به ماده ۱۶ علاوه شود و بمجرد بودن محل مافوق مستخدم مذکور ترفیع مقام خواهد شد

(معتمدالتجار) ماده ۱۶ پیشنهاد می کنم بجای بر طبق نظام نامه الخ نوشته شود بر طبق نظام نامه داخلی مقررى اواضا شده

(مدرس) پیشنهاد می کنم در ماده (۱۶) بعد از مجلس نوشته شده با مقام یار تیر بالا تر (مدرس)

رئیس - چند دقیقه تنفس داده می شود . در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید .

رئیس - راجع بماده ۱۶ آقای شیخ الاسلام پیشنهادی داده بودند فراموش شده بود قرائت و به کمیسیون ارجاع می شود .

(بطریق ذیل قرائت شد) مقام محترم مجلس شورای ملی جمله بر طبق نظام نامه داخلی در ماده ۱۶ بنظر بنده غیر لازم است باید حذف شود (شیخ الاسلام اصفهانی)

رئیس - ماده مفهم (باین مضمون قرائت شد) ماده مفهم - ترفیع رتبه بر دو قسم است رسمی و افتخاری ترفیع رسمی است که شغل معینی که مقامش یکدرجه بالاتر از مقام شغل سابق مستخدمی باشد یا مقررى آن شغل رعایت مدلول ماده ۱۲ و ۱۵ باو رجوع شود .

ترفیع رتبه افتخاری آن است که در صورت عدم احتیاج وزارتخانه بتوان محل برای ارتقاء رسمی پس از هشت سال خدمت در رتبه مادن و رعایت مدلول ماده ۱۶ مقام بالاتری بعنوان افتخاری به مستخدمی داده شود بدون اینکه در شغل او تغییری حاصل گردد

ولی مقررى مستخدم مزبور از قدر اول مضمرى مقام افتخاری و نباید کمتر باشد و مدت وقت در رتبه افتخاری محل اشتغال و سى در آن مقام منظور و در ورقه خدمت قید شود

رئیس - آقای کازرونی

(اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - بنده فرقى نمی توانم مابین اشخاص که در ادارات تجارتی حقوق می گیرند و اشخاصی که در ادارات دولتی مستخدم می باشند زیرا هر دو خدمت می کنند و حقوق می برند در این صورت بنده نمی دانم در صورتیکه وزارتخانه احتیاج

به يك مستمرى نداشته باشد که از يك مقامى بمقام عالی تری او را ترفیع دهد و طرف که راضی است در همان رتبه خدمت کند علت این که يك مقام افتخاری با حقوق عالی تر باو می دهند چیز است ؟ هر مرتبه همان طور که خدمتش زیاد می شود حقوقش هم زیاد می شود ولی در صورتی که خدمت زیاد نمی شود چرا بایستی حقوق زیاد بشود

مخبر - بنده مقصود آقایان مفهمم اگر شخصی دوسال در يك مقامى خدمت کرد و لیاققت هم داشت حق دارد حقوقش زیاد بشود حال اگر سال باز در همان مقام خدمت کرد ولی محل خالی بود نه خارج شد چه باید بکند ؟ اقلاً يك مقام افتخاری برای تشویق او که باید باو داد تا بکلی زحماتش پذیرفته باشد

رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی چون در مواد قبل حداقل و اکثر خدمت در يك مقامى را معین نموده اند از این ماده معلوم می شود که حداقل آن دو سال و حداکثر آن شش سال است و بعقیده بنده مدت شش سال برای يك رتبه خیلی زیاد است و می توان مدت را از سه الی چهار سال با زدو تا چهار سال قرارداد زیرا فرض بفرمایند يك ثبات یا يك منشی شش سال در يك مقامى بماند شش سال دیگر که بطور افتخاری باید بماند آنوقت يك مستخدم دوازده سال باید در يك شغل بماند بنابراین پیشنهاد می کنم عوض شش سال چهار سال قرار بدهند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - این مسئله که آقای دولت آبادی فرمودند راجع بماده هیجده است که هنوز تحت شور نیامده دیگر این که مکروه لاتنسوا الفضل بینکم - را در قران ندیدند همان طور که قانون اداری بمدراتب فضل و عمل راهم باید رعایت شود مثلاً دولت باید يك مستخدمی را تشویق کند و اگر قابلیت داشت ارتقاء رتبه بدهد و اگر محل نبود لااقل رتبه افتخاری باو بدهد

رئیس - ماد هیجدهم قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده هیجدهم - کسانی که پس از شش

سال خدمت در يك مقام استعداد ارتقاء به مقام بالاتری را ندارند حق اضافه مقررى را خواهند داشت و میزان این اضافه از خمس آخرین مقررى مستخدم مذکور تجاوز نکند و پیش از دو مرتبه داده نخواهد شد

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - اگر حقوق در ادای خدمت و لیاقات است (و همین طور هم نیست) در صورتیکه ما مسایل شده ایم بمذازش سال استعداد ارتقاء رتبه پیدا نکرد آنوقت بنده نمی فهم اضافه حقوق چرا باو داده می شود ؟ اگر مجانی است که حقوق مجانی بکسی نباید داده شود بنابراین بعقیده بنده تا يك مستخدم استحقاق پیدا نکند نباید باو اضافه حقوق داده شده

رئیس آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - کلیه حقوق در مقابل خدمت و لیاققت داده می شود بنابراین اگر يك مستخدمی در مدت شش سال یا چندین سال نتوانست کفایت و استعداد این را داشته باشد که به يك مقام عالی تری ارتقاء باید البته دولت

نمی تواند ترتیب اداره خود را خراب کند و مجبور نیست دوسال بعد سال آن حضورا ترقی دهد و باو ارتقاء رتبه بدهد تا بدرجه مدیر کلی برسد در صورتی که لیاققت ثباتی هم ندارد ولی از طرف دیگر يك شخصی که مدت شش سال در يك اداره زحمت کشیده و وقت خود را بدرستی صرف نموده می توان گفت اگر نتوانست است لیاققت ارتقاء را پیدا نماید تقصیری نداشته است زیرا استعداد نداشته است بنا بر این با ملاحظه هر دو طرف هم جلوگیری از اینکه در ادارات اشخاص نالایق پر نشوند و هم اینکه رعایتی از قبیل این گونه نامورین شده باشد کمیسیون قبول کرد که فقط دودفنه هر دوفه در عرض شش سال باو جزئی اضافه حقوق داده شده که تفاوتی در معاش او پیدا شده باشد

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - بنده می - شنوم که کلمه مقصر گفته می شود و میگویند مستخدم تقصیر ندارد اینجا حکایت مجازات و مقصر نیست مسئله مسئله حقوق در مقابل خدمت است حال اگر دیدیم يك شخصی استعداد ندارد که از حد معینی حقوق ببرد پس برای چه باو باید اضافه حقوق داده شود شاهزاده سلیمان میرزا می فرمایند چون دوازده سال خدمت کرده اگر اینطور است چرامرات حال پیش خدمت نمی شود آیا مستخدمه که هیجده خدمت می کند باو ترقی می دهند ؟ یا اضافه حقوق می دهند در صورتی که او مجبور است بآن حقوق خود

قناعت نماید این مستخدمی که استعداد ندارد همانحال را دارد و منتهی بایستی در حقوق تقاعد مثل مستخدمین جزء با سایر اجزاء رسمی وزارتخانه شریك باشد

رئیس - ماده نوزدهم خوانده می شود .

(این طور قرائت شد) ماده نوزدهم - مستخدمین که بواسطه حذف مشاغل یا علت دیگری بدون تقصیری کار شوند منتظر خدمت محسوب و تا زمانی که مجدداً مقصدی شغلی شده اند از مرتبه اول تا مرتبه پنجم دولتی و از مرتبه ششم همان نصف آخرین مقررى خود را دریافت خواهند کرد و اوقات انتظار خدمت از جزء مدت تصدی محسوب و در موقع ترفیع و تقاعد منظور خواهد شد

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - بنده برخلاف آقای کازرانی با این ماده مخالفم ایشان میفرمایند بایستی اصلاً حقوق داد بنده عرض می کنم چرا باید يك مستخدمی که بدون تقصیر از شغلش منصرف می شده تمام حقوق خود را دریافت ندارد دو ثلث بگیرد ؟ پس اقلاً خوب است دولت باو اجازه ندهد يك کار دیگری هم برای خود انتخاب نماید و در ضمن از دو محل حقوق ببرد بنا بر این بنده عقیده دارم که باید تمام حقوقش را باو بدهند

مخبر - اینکه می نویسد يك عضو بدون تقصیر شود مثل این است که يك اربابی بر حسب اقتضای موقع و صلاح دولت احضار نشود و فعلاً هم محل نیست باو بدهند آنوقت می رود در خانه اش می نشیند البته حقوقی که باین شخص داده میشود نباید مثل اشخاصی باشند که زحمت می کشند و کار می کنند و لذا کمیسیون اینطور قرار داد که پنج درجه اول چون حقوقشان کم است و ثلث واز درجه پنج به بالا چون حقوقشان زیادتر است نصف حقوق خود را دریافت نمایند .

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - اگر فرض کنیم یکی از مرتبه پنجم دارای نود تومان حقوق است و دیگری در مرتبه ششم و دارای صد تومان آنوقت اولی چون دو ثلث حقوق دارد و ثلث تومان حقوق می برد و دیگری نصف حقوق خود یعنی پنجاه تومان و باین ترتیب نسبت رعایت نشود بنابراین باید همه یا ثلث باقی یا نصف و بعقیده بنده باید دو ثلث نسبت بکل حقوق داده شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق) سلیمان میرزا - گمان می کنم وقت مجلس را نباید در این قبیل چیزها صرف کرد ممکن است بایک پیشنهاد این قدر نسبت را اصلاح بفرمایند و بکمیسیون ارجاع شود لیکن اگر برای همه دو ثلث یا نصف معین کنند برای مستخدمین زبردست يك تمدی خواهد بود و برای مستخدمین بالا دست منتهای مساعدت زیرا کسی که دوست و پنجاه تومان حقوق دارد نصف آن یعنی صد و بیست و پنج تومان میشود و آنکسی که بیست و پنج تومان دارد دوازده تومان و نیم خواهد داشت و نظراً کمیسیون این است که حقوق مستخدمین خود را بیشتر رعایت کند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - در اینجا می نویسد توقرات انتظار خدمت جزء مدت تصدی محسوب است و بنده باین قسمت مخالفم زیرا وقتی يك مستخدمی بدون تقصیر از کار منصرف شد همین قدر کفایت می کند حقوق او را بدهیم اما ترفیع رتبه برای موقع عمل است اینجا شخصش باقی است لیکن عمل نکرده است البته حقوق میگیرد لکن بنده مخالفم که در خانه بنشیند و این مدت جزو مدت تصدی او محسوب شود اضافه حقوق و ارتقاء رتبه پیدا کند

رئیس - آقایان آقا میرزا شهاب الدین و کازرانی موافقت

آقا میرزا علی کازرانی - بلی مخالفم . مخبر - آقای آقا سید یعقوب اشتباه فرمودند زیرا او مستخدم است و تقصیری ندارد ولی چون کاری ندارد در خانه نشسته است چطور میشود این مدت جزو خدمت او محسوب میشود

رئیس - آقای آقا میرزا شهاب الدین (اجازه)

آقا میرزا شهاب الدین - اینکه حضرت والا می فرمایند مطالب خود را پیشنهاد می کنم بنده چو بر طبق نظام نامه داخلی حق پیشنهاد ندارم لذا شافها عرض می کنم مادام که تعیین مسئله در ماده دیگر نشود بنده مخالف با این ماده هستم زیرا می بینم در این مملکت هیچ ملاحظه خدمت نمیشود بدون ملاحظه فلان وزیر یا فلان رئیس اداره بستگان خود را مصدر حکار می کند و يك عده اعضاء را بدون تقصیر از کار خارج می نمایند در اینجا هم می نویسنند بواسطه خدمت مشاغل یا علت دیگر معلوم است علت دیگر همان میل وزیر یا میل رئیس اداره یا رئیس کابینه است در این صورت بعد از چندی پنجاه هزار نفر جزء منتظرین خدمت خواهند بود از قانون

استخدام هم يك ماده نیست که رئیس اداره یا وزیر حق نداشته باشند بدون ثبوت تقصیر يك عضوی را منصرف بکنند بنا بر این نتیجه این میشود که عده زیادی منتظرین خدمت تولید خواهیم کرد تقصیر که در ماده بعد هم می نویسد عده منتظرین خدمت از صدی پنج تجاوز نخواهند کرد حالا اگر زیادتر شدند تکلیف نشان چه خواهد بود ولی اگر يك ماده باشد که هیچ رئیس اداره باو زیری حق نداشته باشد عضوی را بدون ثبوت تقصیر تغییر بدهد بایستی کسانی که بواسطه حذف شغل از کار خارج میشوند منتظر خدمت باشند و حقوق بگیرند و مادام که يك چنین ماده نباشد این ماده غیر از تولید عده زیادی منتظر خدمت نتیجه ندارد

مخبر - يك چنین ماده هست و بعد خواهید دید که بی تقصیر نمی توانند کسی را منصرف کنند

رئیس - آقای آقا میرزا شهاب الدین - اگر این قید بشود مخالف نیستم

رئیس - ولی جمله (علت دیگر) مثل این است که يك فتنسول یا حاکم را بواسطه علت های سیاسی باید تغییر داد ناچار باید او را تغییر داشت و این علتها را هم نمیشود از قانون ذکر کرد این است که نوشته شده بواسطه حذف مشاغل یا علت دیگر

رئیس - مذاکرات کافی است یا خیر ؟

(جمعی گفتند کافی است) رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد) مقام محترم ریاست مجلس مقدس بنده پیشنهاد میکنم در جمله (و اوقات) تا در موقع ترفیع رتبه از ماده ۱۹ حذف شود .

رئیس - ماده بیستم (آقای منتصر الملک بتفصیل ذیل قرائت نمودند)

حداکثر منتظرین خدمت هر وزارت خانه از صدی پنج کلیه مستخدمین آن نباید تجاوز نماید

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده می خواستم از آقای مخبر توضیح بخواهم که بچه مناسبت عده منتظرین خدمت را بصدی پنج محدود کرده اند آیا اگر بواسطه ماده نوزدهم از صدی پنج تجاوز نماید عده که زاید بر صدی پنج هستند خارج خواهند بود یا ترتیب دیگری دارد ؟

مخبر - يك قسمت منتظرین خدمت کسانی هستند که هنوز مبتدی حساب میشوند و يك قسمت دیگر بواسطه حذف مشاغل منتظر خدمت می شوند حالا اگر از صدی پنج تجاوز کند یا باید دیگر حذف نکنند

یا شغل دیگری بآنها بدهند و باید مراقبت باشند که از صدی پنج تجاوز نکنند

رئیس - آقای تدین (اجازه)

قدین - بنده تصور می کردم در این عبارت يك سهوی شده و مقصود از منتظرین خدمت اعضاء مبتدی هستند ولی حالا بیانات آقای مخبر کار را مشکل تر کرد و معلوم می شود منتظرین خدمت را اهم می دانند از اعضاء مبتدی و اشخاصی که از کار خارج شده باشند اگر مقصود این است این ماده نیست از يك طرف می فرمایند عده که بدون تقصیر از کار خارج شده اند جزو منتظرین خدمت هستند از طرف دیگر می گوید حد اکثرشان در هر وزارتخانه از صدی پنج نباید زیادتر باشد حافه فرض می کنم در يك وزارت خانه بواسطه حذف مشاغل باهل دیگر بیست نفر را خارج کردند و نسبت این بیست نفر را بر اجراء اداره بیشتر از صدی پنج است اینجا تکلیف چه خواهد بود ؟ این است که بنده عرض میکنم در اینجا باید تصریح شود که مقصود از منتظرین خدمت اعضاء مبتدی می باشد

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا - بلی مخالفم

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - يك وقت است وزارتخانه در مواقع عادی اجرا نمی کرد برای آنها صدی پنج محل دارد و می توانند اشخاص که دوره اولیه خدمتشان را طی کرده اند داخل خدمت نمایند این در مواقع عادی است اما چنانکه آقای تدین و شاهزاده نصرت الدوله فرمودند در مواقع فوق العاده مثل این که مالیات نمک را مجلس نسخ کرد و بوجه يك اداره حذف شد در این صورت اجراء بدیست آن اداره خطائی نکرده اند اعضاء باید نصف با دو ثلث یا هر چه مجلس رأى بدهد از حقوق خود را بگیرند و جزو منتظرین خدمت باشند حالا آقایان ایراد می کنند که اگر صدی پنج بیشتر شد خیلی باید کرد تکلیف آنرا ماده پنجاه و ششم این قانون معین میکند و بنده آن را می خوانم می نویسد مادام که عده منتظرین خدمت ادارات دولتی بیش از صدی پنج مقررده در ماده بیستم باشد هیچ یک از وزارتخانه ها و ادارات حق استخدام عضو جدید الورد ندارند و باید عضو لازم را با رعایت خدمت و دارا بودن شرایط و معلومات لازمه از میان منتظرین خدمت وزارت خانه ها انتخاب نمایند حالا باز ممکن است آقایان بفرمایند نه این ماده چیران نمی کند بتمام منتظرین خدمتی که از صدی پنج بالا رفته اند حقوق داده شود و يك مدتی آن اشخاص بی کار خواهند ماند این قسمت هم در کمیسیون مطرح شد نه اینکه فراموش

شده باشد یکدفعه منتظرین خدمتی است که در امروز معین می شوند يك دفعه همانطور که آقای آقا میرزا شهاب الدین فرمودند قانون استخدام میشود و مثلاً بموجب يك ماده واحده تمام اجزای وزارت مالیه را منصرف کرده اند و دولت یا بصدر منتظر خدمت پیدا کرد در این موقع هیچ عجلای نخواهد بود آن را مجلس می تواند يك مرتبه مالیه ملتر را بجای منتظر خدمت ادارات بدهد و چون حقوق منتظرین خدمت (برای حذف مشاغل) در بوجه منظور میشود باید مجلس در نظر داشته باشد بدهد از این که این قانون گذشت بکند معینا ممکن است بعد از این هم يك عده منتظر خدمت پیدا شوند حالا اگر آقایان بوجه اش را تصویب بفرمایند امر دیگری است ولی کمیسیون از نقطه نظر بوجه تصمصم گرفت که از صدی پنج بالاتر نرود و اگر بیشتر شدند آنها را که بدون تقصیر منصرف شده اند مقدم باشند ولی اگر از نظر بوجه مجلس رأى می دهد تمام منتظرین خدمت دارای حقوق باشند کمیسیون مخالف نیست ولی کمیسیون هر دو طرف را ملاحظه کرده هم رعایت حال مستخدمین را کرده ام رعایت اوضاع فعلی مالیه را و در هر صورت کمیسیون حاضر است هر نوع پیشنهادی آقایان بفرمایند که از این مسئله جلو گیری کند قبول نماید

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - فعلاً عرضی ندارم .

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - تعدی را که کمیسیون در ماده بیستم قائل شده رفع تشویش ها از ذهن بنده کرد لیکن بنده نمی دانم توضیح بچه قسم خواهد بود فرض بفرمایند يك عده زیادی از مأمودین وزارت مالیه با وزارت داخله که بولایات میروند بعد از مدتی منصرف شوند و يك عده اشخاص که هیچ تقصیر نداشتند منصرف شدند حالا ما می خواهیم از بین آنها صدی پنج انتخاب کنیم آیا بکست ؟ این جامه نظریات رؤسای مافوق شرط است با نظریات دیگری در کار نیست ؟ آقایان تصدیق میفرمایند که ما قانون را برای امروز الی بعد و برای يك محیط معلوم الحال بنویسم نه برای يك محیط مجهول الحالی بنا بر این باید رعایت وضعیت و موجبات مملکت را کرده باشیم و بنده می بینم این ماده اسباب افتخاش و اختلاف نظر و يك دسته بندی هائی خواهد شد این است که باینکه اصولاً با تجدید موافقت ولی باین ترتیب که کمیسیون اتخاذ کرده موافق نیست و باید يك ترتیب عملی تری اتخاذ شود

رئیس - مذاکرات کافی است یا خیر ؟

(جمعی گفتند کافی است)
 رئیس - ماده بیست و یکم
 (بتفصیل ذیل قرائت شد)
 ساعات کار و ایام تعطیل و حق مرخصی
 سالیانه مستخدمین را نظامنامه های اداری
 هر وزارت خانه معین می کنند
 رئیس - آقای آقا سید فاضل
 (اجازه نطق)
 آقا سید فاضل بنده هیچ فلسفه برای
 این ماده نمی بینم زیرا باید قانون استخدام
 مطالب عمومی تمام وزارتخانه ها را شامل باشد
 تمام وزارتخانه ها در تعیین ساعات کار و ایام
 تعطیل و مرخصی شریک هستند و بیك وزارت
 خانه اختصاص ندارد و هر کدام تابع يك
 قانون مخصوص نیستند نمی شود گفت
 در يك وزارتخانه ساعات کار هشت ساعت است
 و در وزارتخانه دیگر ده ساعت .
 تا فلاں اداره در ایام جمعه تعطیل
 نیست یا در فلاں وزارتخانه حق مرخصی
 سالی یکماه است و در فلاں وزارتخانه سالی
 دو ماه فقط بعضی از وزارتخانه ها اختصاصی
 دارند مثل تلگرافخانه که بیست کشیک دارند
 ولی بعقیده بنده یا ساعات کار در ایام تعطیل
 و مرخصی برای تمام وزارتخانه ها در این
 قانون نوشته شود و موکول به نظامنامه های
 خصوصی نشود .
 رئیس - آقای سلیمان میرزا .
 (اجازه)
 سلیمان میرزا - بنده گمان کردم
 یکی از موادیکه بهیچ وجه نباید در آن
 مذاکره شود همین ماده است میگوید
 ساعات کار و ایام تعطیل و حق مرخصی
 سالیانه مستخدمین را نظامنامه های اداری
 هر وزارتخانه معین میکند می فرمایند این
 حقوق عمومی است اگر حقوق عمومی است
 پس چرا تلگرافخانه باید شب هم کشیک
 داشته باشد یا مثلا هشت ساعت کار کنند
 این قاعده که دیگر شامل حال اجزای پست -
 خاها با وزارت داخله نمیشود یا فرض
 بفرمائید چنانچه يك ماده دیگر این قانون
 می گوید این قانون شامل دوائر اجتماعی
 و هیئتهای شوروی هم میشود آنوقت آیا
 اجزای بلدی باید مطابق همان ساعتی که
 اجزای مجلس شورای ملی کار میکنند آن
 ها هم کار کنند ؟
 مجلس شورای ملی يك نظامنامه
 مخصوصی دارد که مثلا تابستان از صبح تا
 ظهر چون و کلا هستند اجزاء اداره تقنینیه
 و مباشرت هم باید حاضر شوند این ترتیب
 دیگر شامل حال بلدی یا پستخانه نخواهد
 شد این ترتیب را باید نظامنامه هر
 وزارتخانه معین کند اگر غیر از این باشد
 اسباب اشکال خواهد شد .
 آقا سید فاضل - اجازه می فرمائید
 توضیح بدهم
 (جمعی گفته مذاکرات کافی است)

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی
 می دانند ؟
 (اغلب گفتند کافی است)
 رئیس - پیشنهاد آقای مدرس قرائت
 می شود .
 آقا سید فاضل - بالاخره توضیح
 بنده ماند .
 (پیشنهاد آقای مدرس به تفصیل
 ذیل قرائت شد)
 پیشنهاد میکنم چنین نوشته شود
 ساعات کار در زمان عادی روزی هشت ساعت
 است ایام تعطیل عادی روز جمعه اعیاد
 مذهبی و ایام عزاداری مذهبی خواهد بود .
 حق مرخصی عادی سالی يك برج که
 تراضی رئیس مسئول و مستخدم معین خواهد
 شد .
 (تبصره)
 فوق العاده ممکن است ارموارد فوق
 زاده تقیسه تغلف شود
 رئیس - ارسال می شود به کمیسیون
 مذاکرات در ماده بیست و یکم تمام شد بقیه
 مذاکرات می ماند برای جلسه آتی آقای
 سهام السلطان از بیستم ذیقعد به بیست روز
 مرخصی خواسته اند کمیسیون تصویب کرده
 موکول برای آقایان است .
 آقای سلیمان میرزا -
 (اجازه)
 سلیمان میرزا - بنده مکرر عرض کردم
 با این قبیل مرخصی ها مخالفم زیرا ظاهرا
 کارهای شخصی است و از آن بیشتر ممکن
 است استفاده کنند و چون اگر در مجلس
 تصویب شود بآن حقوق داده میشود بنده
 مجبورم ملل مخالف خود را عرض کنم
 البته آن کارها را بر کار مجلس ترجیح
 میدهند مثلا فرض بفرمایند حالا موقع
 حاصل است و از املاک عراق بیشتر ممکن
 است استفاده کرد البته وقتی بنده بدون
 عنده وجه از منزل خودم به مجلس بیایم لابد
 کاری در منزل دارم مقدم میدانم پس محققا
 باید جریمه بدهم علی الخصوص که ایشان
 دو روز است رفته اند و صبر نکرده اند به بیست
 مجلس تصویب میکنند یا نه ؟
 يك كاغذی به کمیسیون هرايش و
 مرخصی نوشته اند که من بیست روزه میروم
 و منتظر اجازه هم نشده اند بنده نه فقط با
 این اجازه مخالفم بلکه با هر مرخصی که
 اینجا بیاید مخالفت خواهم کرد در این
 نقطه که حقوق نباید بگیرند .
 بنابراین اگر در مجلس باقی بمانم
 (یعنی نمیرم والا تا آخر مجلس خدمت
 آقایان خواهم بود و بهیچ چیز مرا از
 خدمت آقایان دور نخواهد نمود)
 اگر بمانم با هر مرخصی این مخالف
 را خواهم کرد .
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب
 (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده نمیدانم
 چرا حضرت والا هر روز يك نحو صحبت
 می فرمایند يك روز می فرمایند چرا وقتی
 اجازه داده شد فوراً حرکت نمیکند يك
 روز می گویند چرا حرکت میکنند این
 بیچاره در روز جلوتر از رئیس اجازه خواسته
 و آقای رئیس هم اجازه داده اند و بعد هم
 کمیسیون بیست روزه اجازه مرخصی را
 داده بنده خیلی تعجب میکنم که حضرت -
 والا وکیل را در فریاد زدن و دعوت با انقلاب
 و غیره آزاد می گذارند ولی در باب مرخصی
 بیست روزه و اجازه گرفتن آزاد نمی گذارند
 در صورتیکه آقای سهام السلطان از روزی
 که مجلس افتتاح شده تا بهال چنانچه به
 صورت مجلس رجوع شود یکروز تغلف
 از حضور در مجلس نکرد .
 در کمیسیون بودجه بتصدیق تمام
 اعضاء آن زحمات زیاد کشیده حالا بواسطه
 اینکه پدرش نمی تواند رسیدگی بامور
 بکند بیست روزه اجازه خواسته است
 بنده استدعا میکنم حضرت والا که در پشت
 تربیون و کلا را دعوت به انقلاب کردن
 میکنند اینقدرها به مرخصی و اجازه مقید
 نباشند يك و کیلی بیست روزه اجازه بگیرند
 برود بر گردد این اشکالی ندارد و کدام
 میکنم مذاکرات هم کافی باشد
 رئیس - آقای سردار مقفم
 (اجازه)
 سردار مقفم - راجع باین موضوع
 مرضی ندارم
 رئیس - آقای مدرس
 (اجازه)
 مدرس - آقای سهام السلطان مدتی
 بود در کمیسیون بودجه اظهار میکردند
 دو بیست روز بروم و و اما چون در کمیسیون
 بودجه خیلی کار میکرد و میشود گفت که شب
 و روز مشغول بوده مادر کمیسیون قانع شدیم
 و گفتیم کمیسیون بودجه اهمیت دارد و وقتی
 هم که بنشیند بروند فرمودند خوب است بی
 اجازه بروم زیرا مرخصی از مجلس مطرح
 میشود و ممکن است بعضی چیز ها پیش
 بیاید من هم که در قید حقوق نیستم ولی
 يك عیب دیگر دارد که در هر صورت مجلس
 هر روز می خوانند عیال بی اجازه و این
 یک قدری نقص است پس خوب است يك
 اجازه از آقای رئیس بگیریم که این عیب
 رفع شود و حقیقتا ایشان مقید بحقوق
 نبودند این است که بنده این مذاکرات را
 يك اندازه خوب نمی دانم زیرا ایشان از
 روی لایب دی رفته اند حالا اگر آقایان رأی
 بدهند فرقی نمیکند
 رئیس - آقای سلیمان میرزا
 (اجازه نطق)
 سلیمان میرزا - در اینکه آقای
 سهام السلطان در کمیسیون بودجه خیلی
 زحمت میکشیدند و ایشان یکی از وکلای

بودند که در سر موقع در کمیسیون و مجلس
 حاضر میشدند و در اینکه اکثریت و هیئت
 متحده هم با این اجازه رأی میدهند حرفی
 نیست فقط بنده می خواهم راجع به مسئله
 که آقای می فرمایند عرض بکنم ایشان از
 مخالفت بنده تعجب میکنند ولی برای بنده
 هیچ موضوع تعجب نیست بنده وکیل را
 در اظهار عقیده آزاد می دانم و ایشان هم
 آزادند چنانکه الآن با بنده مخالفت
 کردند و بنده هم آزادم عقیده خود را
 بگویم زیرا تشکیل مجلس از اشخاص مختلف
 است که عقاید خود را ابراز کنند بهیچ وجه
 تعجبی ندارد بلی بنده باز هم عقیده خود
 را تکرار میکنم مادامی که در اهالی حس
 مخالفت بر علیه اشخاص که برخلاف قانون
 رفتار میکنند تولید شود و انقلاب نمایند
 حقوق آنها حفظ نمی شود چنانچه محمد علی
 شاه را هم بواسطه انقلاب از میان برداشتند
 اگر رجوع بکتاب تاریخ آزادی و عهد
 بفرمایند چنانچه اردو در دوازده جلد
 کتاب خود که تاریخ دو هزار ساله انقلاب
 و آزادی اروپا است در اول هر صفحه آن
 همین عقاید را می گوید و مذهب اسلام هم
 همین است بلکه او از مذهب اسلام اقتباس
 کرده بنده هم دارای آن عقیده هستم و می
 گویم هیچ حق مذهبی و سیاسی در دنیا
 گرفته نمی شود مگر اینکه در مقابل ظالمان
 و تعدی کنندگان جرات و شجاعت و
 فداکاری اظهار بشود باین جهت بود که
 امروز عرض کردم حق گرفتنی است نه دادنی
 هر قدر توی سر مردم بزنند و باز بیاید
 اتومبیل های ظالمان تعظیم کنند حقوقشان
 حفظ نمیشود .
 تا مردم منتظر هستند از طرفی
 توسری نخورند و بظالمین حضرت اشرف
 بر بسته محققا حقوق خودشان را نخواهند
 گرفت و آزادی در این مملکت برقرار
 نخواهد شد و اینکه تکرار می شود که من
 مردم را دعوت بانقلاب میکنم ابدأ ترسی
 ندارم این عقیده من است و عقیده آزاد است
 و این دفعه سوم است که تکرار میکنم تا
 همه مردم بدانند و همه روز نامه نویس ها
 بنویسند این اسباب خوشحالی من است
 عقیده من این است که اگر مردم می خواهند
 حقوق حقه خودشان را از غاصبین بگیرند
 باید در هر خلاف قانونی بدولت پرست کنند
 اگر گوش نمیکردند تعطیل بکنند و اگر
 باز اثری نه بخشید انقلاب کنند . . .
 آقا سید یعقوب - ملت امنیت
 می خواهد .
 سلیمان میرزا - اگر حضرت آقای
 امنیت می خواستند خوب بود در زمان محمد
 علی شاه که مجلس را به نوبت انقلاب نمی
 فرمودند امنیت وقتی است که حقوق مردم
 مطابق قانون اساسی محفوظ باشد و الا امنیت
 معنی ندارد باید حکومت ظالم را با مشت

اسلحه سرنگون نکرد و حکومت عادل در جای
 او گذاشت که مطابق قانون اساسی رفتار
 کنند بنده در بالای کرسی خطابه قسم
 خورده ام و در آنجا کلمه امنیت ندارد می -
 نویسد مادام که حقوق مجلس و مجلسیان
 مطابق قانون اساسی محفوظ و مجری
 است . . .
 آقا سید یعقوب - ملت ایران امنیت
 می خواهد .
 سلیمان میرزا - هر زمان که برخلاف
 قانون اساسی رفتار شود باید مقاومت کرد چون
 ایشان از قضیه خارج شدند بنده هم مجبور شدم
 از موضوع خارج بشوم حالا اگر نظامنامه
 داخلی تغییر کند بنده بهمان نظری که
 آقای مدرس به آقای سهام السلطان فرمودند
 مخالفت نخواهم کرد که فقط در صورت
 مجلس قایب بدون اجازه نوشته شود لکن
 مخالفت بنده در این است که کسی که کار
 نمی کند نباید اجرت بگیرد این مسئله
 هم از راه شرع و هم از راه قوانین عادی
 پسندیده و مدوح است کسی که زحمت
 نمی کشد از بیت المال مسلمین و خزانه
 دولت نباید حقوق بگیرد و حال هر کس
 موافق است عقیده اش آزاد است و می تواند
 باینده مخالفت نماید
 رئیس - آقای آقا میرزا هاشم
 آشتیانی
 (اجازه)
 آقا میرزا هاشم آشتیانی - بنده در
 اصل موضوع عرض دارم ولی راجع به
 فرمایش شاهزاده عرض می کنم اگر بنا
 شود پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا قبول
 شود آنوقت هیچ فرقی مابین غایب با اجازه
 و غایب بدون اجازه
 باقی نخواهد بود این مسئله را راجع به
 بهودم عرض می کنم اگر بنده بدانم در
 صورتی که اجازه بگیریم یا نگیریم در هر دو
 حال حقوق نخواهم گرفت البته بدون
 اجازه بروم و اجازه نخواهم گرفت و این
 مسئله رفته رفته اسباب اختلال و بی نظمی
 مجلس می شود و يك وقت مقام ریاست اعلام
 خواهد کرد که مجلس از اکثریت افتاد
 بنابراین این ماده را از روی يك حکمت
 و فلسفه معین کرده اند که هر کس بخواند
 مسافرت نماید بایستی اجازه بگیرد و با
 اجازه حرکت کند چنانچه در همین قانون
 استخدامی که شاهزاده و سایر آقایان
 وضع کرده اند خودشان برای اعضاء ادارات
 حتی منتظرین خدمت حق مرخصی و غیره
 با استفاده از حقوق تأمین شده اند حال آیا
 يك و کیلی که دو سال در مجلس خدمت
 می کنند حق ندارد يك مدت قبل بی مرخصی
 بگیرد
 رئیس - رای می گیریم به راپورت
 کمیسیون مرخصی بیست روزه آقای سهام
 السلطان را تصویب نموده است آقایانی که

راپورت کمیسیون را تصویب می کنند قیام
 بفرمایند
 (اکثر نمایندگان قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد . جلسه آتی به
 روز پنجشنبه چهار ساعت قبل از ظهر
 دستور بقیه شور در قانون استخدام خواهد
 بود
 (مجلس نیم ساعت بعد از ظهر
 ختم شد)
 جلسه ۱۱۷
 صورت مشروح مجلس يوم
 پنجشنبه بیست و چهارم شهر
 ذی قعد ۱۳۴۰
 مطابق بیست و نهم سرطان ۱۳۰۱
 مجلس سه ساعت قبل از ظهر برپاست
 آقای موتن الملك تشکیل گردید
 صورت مجلس يوم یکشنبه بیست و
 پنجم سرطان را آقای امیر ناصر قرائت
 نمودند
 رئیس - گویا بصورت مجلس ایرادی
 نباشد
 (اظهاری نشد)
 رئیس - صورت جلسه تصویب شد
 چند فقره لوابج از طرف دولت رسیده
 است که عرض میکنم یکی لایحه امتیاز
 احداث کارخانه چراغ برق در همدان دیگر
 تقاضای تجدید کترات چند نفر معلم برای
 برای مدرسه حقوق يك فقره هم تقاضای
 چهارده هزار و صد و هفتاد و دولیره کاغذی
 برای تعمیر سفارتخانه اسلامبول ارجاع می
 شود بکمیسیونهای مربوطه کسری کمیسیون
 هارا که بتأیید انتخاب بفرمایند چند نفر
 انتخاب شده اند بقیه را هم امروز باید انتخاب
 بفرمایند کمیسیون خارجه سه نفر کسر داشت
 دو نفر آقایان نصرت الدوله و حاج مخبر -
 السلطنه انتخاب شده اند یک نفر دیگر باید
 امروز انتخاب شود بکمیسیون معارف دو
 نفر کسر داشت آقای حاج میرزا عبدالوهاب
 انتخاب شده اند یک نفر دیگر کسر است
 کمیسیون مالیه سه نفر کسر داشت آقای
 معتمدالتجار انتخاب شده اند دو نفر دیگر
 کسر است کمیسیون عدلیه چهار نفر دو
 نفر آقایان سالار معظم و حاج شیخ محمد
 حسن گروسی انتخاب شده اند دو نفر دیگر باقی
 است کمیسیون داخله چهار نفر کسر داشت
 هر چهار نفر را انتخاب شده اند کمیسیون تجدید
 نظر در قانون انتخابات سه عضو کسر -
 داشته است دو نفر آقایان نصرت الدوله و
 محمد هاشم میرزا انتخاب شده اند یک نفر
 دیگر هم باید انتخاب شود
 حاج میرزا عبدالوهاب برای کمیسیون
 فوائد عامه و پست و تلگراف گویا هیچ
 معین نشده است چون اسمی از آنها برده
 نشد
 رئیس - بلی صحیح است کمیسیون
 فوائد عامه هم دو نفر کسر داشت که هیچ
 انتخاب نشده است و باید انتخاب شود در
 موقع تنفس صورت کسری اعضاء کمیسیون